



Iran Data Portal

Speaker or Agency: Zahra Rahnavard

Title: Rahnavard: Swear to the spring that these prisoners are the free

Language: English, Persian

Western Date: 3 April 2010

Persian Date: 14 Farvardin 1389

Source: <http://www.kaleme.com/1389/01/14/klm-15522>;

http://www.facebook.com/note.php?note_id=387679542611&id=79757303129&ref=m

Rahnavard: Swear to the spring that these prisoners are the free

Dr. Zahra Rahnavard, wife of Mir Hossein Mousavi, in a message urged the authorities to not miss the opportunity and free all political prisoners. In this note Zahra Rahnavard by pointing out that the spring is the beginning of the new cycle of life in the nature and that freedom and blossom are the titles of this new chapter asked the authorities to give the nation the freedom it deserves and free all political prisoners in this new chapter of life

In this note Zahra Rahnavard stressed that the government ruling Iran, which claims to be Islamic, could and still can present freedom to the nation and the society.

She added that seeking freedom, demanding democracy and following law are

the three main branches of Iranian society over the past hundred years which still shine as part of Iranian demands and even if we only focus on these three-branched demands between the constitutional revolution and the 1978 revolution, we see that both of these revolutions are unfinished projects.

She emphasized that [We are in] a situation and in a historic-political stage of our country that the government and the people could, hand in hand, complete this unfinished projects and by releasing all [political] prisoners, finish this process.

Zahra Rahnavard added that with an overall look at these imprisoned free-souls, we can recognize and categorize them:

1. Unknown prisoners, from women and men, old, young and children: They are the body of the nation. They are neither the first moat nor the first trench that its conquest is cause for happiness and they are not a trench that reformists are hiding behind it.

Their demand is only one of many demands of the people. The free-souls that like the rest of Iranian nation have no one under than their God and their wishes. Just that. And for that reason keeping them in prison is a symbol of the ugliest oppressions and pains one can force on a nation. They have great mothers, children, wives and husbands, fathers and families who can't tolerate their pains any more.

2. Imprisoned women: Iran's history is full of praise and high stature for women who are the symbol of kindness and compassion. In the historic land of Iran, statues of goddesses and mothers, we not only the symbol of worship and fertility but also the symbol of deep historic respect of this ancient land to women.

3. Activists and well-known political figures: Reformists figures and their aids and

colleagues who want nothing other than the prosperity of Iranian nation and achieving metrics of these unfinished projects.

4. Human rights activists and supporters: Before any other civilization or country, human rights have historic roots. The Cyrus the Great cylinder is one of them. The holy Quran also values the human rights so much that starts with the name of God and finishes with a chapter named "the people". Isn't this a shame for the Iranian nation that its government calls the governing of human rights an anti-Iranian idea and with this false accusation calls human rights activist dependent on foreign governors, and menace to national security?

5. Different races and minorities. Iran is a land of multiculturalism and therefore has a great opportunity to flourish. These different cultures are not trying to separate and become independent. They want nothing other than respect for themselves and the nation. The constitution also puts no limit on their freedom and dignity while encourage their cultural development.

6. Journalists, artists, and media activists. In the modern world, journalists and artists are freedom-seeker, justice-fighters and independent people who are not tied to powers. The presence of journalists and artists are signs of democracy and the new world without them will vanish.

7. Hostages and others. I wonder how some with power create some groups in their minds and place innocent people in these groups and with all sorts of weird and strange names and accusations keep them in prisons or execute them. This is the worst kind of punishment or even some kind of old taking revenge on people to create an environment of fear and terror.

At the end she stressed: "So I swear to the spring that these prisoners are the free-souls"

سوگند به بهار، این زندانیان آزادگانند

آزادی و شکوفایی، سر فصل تیتیر بهار در طبیعت است. از دیدگاه بسیاری از متفکران و از منظر قرآن، قانون طبیعت بر جامعه نیز حاکم است و کم و بیش جامعه و طبیعت در یک نظام هماهنگ قرار دارند. این یکی از سنت های الهی است. حاکمیت موجود ایران که مدعی اسلام گرایی است، می توانست و همچنان می تواند این نظام هماهنگ را در هستی قرائت کند و آزادی های بهارانه را به جامعه و ملت تقدیم کند.

کلمه زهرا رهنورد: در بهار، اغلب، شکارچیان، پرنده ها را صید نمی کنند، در بهار پرنده داران نیز، پنجره قفس ها را باز می کنند تا در باغ بلبلانه چهچه بزنند. هر مناسبتی در سالی که گذشت، می توانست فرصتی باشد تا زندانیان سیاسی آزاد شوند و به این بهانه، رابطه ملت و حاکمیت، تا حدودی بهبود یابد. مناسبت هایی چون ماه رمضان، عید فطر، عید قربان، ایام محرم، دهه فجر و ۲۲ بهمن، روز ملی شدن نفت، عید نوروز، ۱۲ فروردین و سیزده بدر. اما هنوز هم "بهار" هست و فرصت باقی است.

آزادی و شکوفایی، سر فصل تیتیر بهار در طبیعت است. از دیدگاه بسیاری از متفکران و از منظر قرآن، قانون طبیعت بر جامعه نیز حاکم است و کم و بیش جامعه و طبیعت در یک نظام هماهنگ قرار دارند. این یکی از سنت های الهی است.

حاکمیت موجود ایران که مدعی اسلام گرایی است، می توانست و همچنان می تواند این نظام هماهنگ را در هستی قرائت کند و آزادی های بهارانه را به جامعه و ملت تقدیم کند.

آزادی خواهی، دموکراسی طلبی و ترتیبات قانونی، سه شاخصه اصلی جامعه ایران است که در صد سال گذشته و همچنان بر تارک مطالبات ایرانیان می درخشد. اگر کاوه آهنگر شاهنامه فردوسی و آزادیخواهان ایرانی در سالهای سلطه اعراب بر ایران را هم بر آن بیافزائیم، می توانیم این سه خاصه را "کهن الگوی" ذهن مردم ایران تلقی کنیم. این سه مشخصه همواره خاطره جمعی و تاریخی ملت ما را به خود مشغول کرده است.

حتی اگر فقط به این مطالبات سه گانه بین دو انقلاب مشروطه و بهمن ۵۷ متمرکز شویم، می بینیم که هر یک از این دو انقلاب پروژه هایی ناتمام بوده اند. وضعیتی که در شرایط فعلی و در این مرحله تاریخی - سیاسی کشورمان، حاکمیت و ملت می توانستند دست در دست یکدیگر این پروژه های ناتمام را تکمیل کنند و با آزادی زندانیان در بند ملت ایران این پروسه تکمیل شود.

با یک نگاه کلی این ازدگان در بند را می توان طبقه بندی و به شناسایی آنها اقدام کرد:

۱ – زندانیان گمنام و بی نام و نشان ، از زن و مرد و پیر و جوان و نوجوان . آنها بدنه ملتند . آنها نه خاکریز اولند و نه سنگری که فتح آن موجب خوشحالی شده باشد و نه سنگری است که سیاسیون پشت آن پنهان شده باشند .

خواسته آنان تنها مشتی از خروارها مطالبات مردم اند . آزادگانی که همچون ملت ایران خود بی کس و کارند و فقط خدا و آرزوهای شان را دارند . همین و بس . به همین دلیل در زندان نگه داشتن آنها نمادی از زشت ترین ظلم ها ورنجی است که می توان بر یک ملت روا داشت . آنها مادر دارند ، فرزند دارند ، همسر دارند ، پدر دارند و خویشانی خوب که بی تاب رنج های شان هستند.

۲ – زنان زندانی . تاریخ ایران سرشار از شان و منزلت برای زنانی بوده که مظهر رافت و محبت اند . در سرزمین باستانی ایران ، تندیس الهه ها و مادرها ، نه تنها نماد پرستش و باروری است بلکه سمبل احترام عمیق تاریخی این سرزمین کهن به زنان بوده است . قرآن نیز یک سوره را به طور مشخص به زنان اختصاص داده و با انتخاب واژه ” ام ” به معنای ریشه و اطلاق آن به مادر ، فهم زبان شناختی والایی را برای درک جایگاه زن پیش رویمان نهاده است.

زنان زندانی جنبش سبز ایران نمونه ای از سلحشوری و استقامت زنان ایرانند . آیا حاکمیت می خواهد با این همه بدعت درستم و سرکوب و بی احترامی به زنان ، تمامی رهنمودهای قرآنی و سرافرازی های تاریخی ملت ایران را نادیده بگیرد.

۳ -فعالان و مشاهیر سیاسی . سران و مشاوران و همکاران آزادیخواه و مغزهای متفکر و جان های بی قراری که جر سرافرازی ملت ایران و ایرانی استوار و با هویتی والا ، هیچ داعیه ای در سر ندارند . آنها خواهان تحقق شاخصه های این پروژه های ناتمامند . آنان پیشوای پهلوانان معاصر جهانند.

حاکمیت می توانست ذهن فعال و توان اجرایی این ازدگان را در جهت عظمت و سرافرازی ایران به کار بگیرد . اما در عوض عمر گرانیامیه آنها را ذخیره خاطرات دحمه های تاریک زندان کرده است.

۴- طرفداران و فعالان حقوق بشر . بیش و پیش از هر تمدنی و هر کشوری ، حقوق بشر در ایران سابقه تاریخی دارد . منشور کوروش کبیر یکی از آنها است . اما آیا از کتاب آسمانی ما ، قران ، که با نام خدا شروع و با مردم و سوره ای به نام مردم ” ناس ” پایان می پذیرد ، مکتوبی والاتر و مزین تر در حقوق بشر می توان یافت ؟

آیا این وهن ملی و ملت ایران نیست که حاکمیت حقوق بشر را دارای خاستگاهی غیر ایرانی قلمداد می کند ، تا به بهانه آن فعالان حقوق بشر را نوکر و وابسته به بیگانگان و محل امنیت کشور معرفی کند و آنها را دچار میخ دخمه ها و پستوهای زندان ، رنج دهد.

۵- اقوام و ملیت ها و اقلیت ها . ایران سرزمینی متکثر از اقوام ، نژادها و زبانها ست . در ترمینولوژی علوم انسانی امروز ، ایران یک کشور ” مالتی کالچرال ” و چند فرهنگی است . از این رو از یک فرصت بزرگ برای خلاقیت و شکوفایی ملی برخوردار است.

در ترمینولوژی و اصطلاح شناسی قرآنی ” شعوب و قبائل ” یک تولید یا به اصطلاح قران جعل و قرار الهی است و زبان و رنگهای متنوع انسان های کره زمین ، آیه الهی نامیده شده است.

آنها نه به دنبال خودمختاری اند و نه جدایی طلبی . آرمانخواهانی آزادی خواهند که جز احترام و عظمت خود و ملت ، چیزی نمی خواهند . قانون اساسی نیز هیچ محدودیتی برای آزادی و احترام به آنها قائل نشده است . ضمن اینکه توسعه فرهنگی آنها را تشویق و ارج نهاده است.

۶- روزنامه نگاران ، هنرمندان و اصحاب رسانه . در دنیای مدرن ، روزنامه نگاران و هنرمندان یعنی انسان های آزادیخواه ، حق طلب و غیر وابسته . که عضو هیچ جناحی نیستند و به میز و دستک و قدرتی وابسته نیستند . اگر آفتاب و مهتاب را در دستان او قرار دهند ، جز دفاع از حق ، دفاع از مظلوم ، دفاع از آزادی و دموکراسی پیشه ای بر نمی گزیند . حضور روزنامه نگاران و هنرمندان و اصحاب رسانه ترجمان آزادی و زیبایی یک ملت است . دنیای جدید بی وجود آنها نمی تواند لحظه ای خود را باز تولید کند و ناچار به قهقرا می رود . آیا قلم که دارای انچنان عظمتی است که خداوند به آن قسم خورده ”نون و القلم ” و تنها ابزار هنرمند و روزنامه نگار است ، سزاوار چنین جفایی است.

۷- دیگران و گروگان ها . نمی دانم چگونه کسانی از موضع قدرت ، در ذهن خود گروه هایی من در آوردی تولید می کنند و انسان های بی گناه را در خیال خود در آن گروه ها جاسازی و سپس دستگیر می کنند و با

برچسب های عجیب و غریب و انواع تهمت ها در زندان نگه می دارند و یا اعدام می کنند . این از بدترین نوع مجازات ، بلکه نوعی انتقام کشی نخ نما شده برای ایجاد محیط ارباب و وحشت است.

پس قسم به بهار ، که این زندانیان آزادگانند

توضیح و پوزش کلمه:

متأسفانه در متن اولیه منتشر شده از خانم رهنورد یک عبارت به اشتباه تایپ و منتشر شده است.

در جمله “آنها به به دنبال خودمختاری اند و نه جدایی طلبی“

در این عبارت به اول نه بوده است.

جمله صحیح این است که آنها نه به دنبال خودمختاری اند و نه جدایی طلبی

ضمن پوزش از نویسنده محترم مقاله ،سرکار خانم رهنورد و خوانندگان مطلب ،اشتباهات تایپی صورت گرفته ، تصحیح شد.